

بررسی تطبیقی متون نهج البلاغه و اشعار حکمی سامی بارودی

موسی عربی* / سجاد عربی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۰

چکیده

محققان از طریق ادبیات تطبیقی روشی را به دست می‌آورند که به واسطه آن، دیدگاه انسان در مطالعه آثار ادبی عمیق گشته و به بررسی پیوندهای آثار ادبی و نویسندگان ملل مختلف و کشف منابع الهام‌بخش آنها می‌انجامد. بررسی تطبیقی سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و اشعار حکمی سامی بارودی تلاشی است مبتنی بر روش تطبیقی برگرفته از مکتب فرانسوی برای بررسی تاثیرپذیری یا عدم تاثیرپذیری پیشوای شعر معاصر عربی؛ محمود سامی بارودی از سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و درر الحکم و میزان و نحوه این تاثیرپذیری. نتایج تحقیق نشان گر آن است که بارودی در سرودن اشعار حکمی خود به سخنان امام علی علیه السلام نظر داشته و از آنها تاثیر پذیرفته است. بیشترین سطح تاثیرپذیری بارودی از سخنان امام علی علیه السلام بدین شکل بوده است که وی محتوای سخنان امام علیه السلام را گرفته و در اثناء اشعار خود بازآفرینی کرده است. از آنجایی که بارودی در مدح امام علی علیه السلام نیز شعر سروده است، می‌توان نتیجه گرفت که سخنان امیرمومنان علیه السلام یکی از منابع الهام‌بخش پیشوای شعر معاصر عربی بوده است.

واژگان کلیدی

تاثیر نهج البلاغه، ادبیات تطبیقی، محمود سامی بارودی.



طرح مسئله

ادبیات تطبیقی روشی به دست می‌دهد که دیدگاه انسان را در مطالعه آثار ادبی عمق می‌بخشد و به بررسی پیوندهای آثار ادبی و نویسندگان ملل مختلف و کشف منابع الهام بخش آنها می‌پردازد. در حوزه ادبیات تطبیقی مکاتب مختلفی بروز کرد که اصلی‌ترین آنها دو مکتب فرانسوی و آمریکایی بود.

وجه غالب در نگاه پژوهشگران ادبیات تطبیقی در مکتب فرانسه که پژوهش حاضر مبتنی بر آن است، مسئله تأثیر و تأثر است؛ چون اولاً از نظر آنها ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از تاریخ ادبیات است و ثانیاً به جنبه هنری آثار توجهی ندارد. (سیدی، ۱۳۹۰: ۴) روشن‌ترین تعریف در مکتب تطبیقی فرانسه از آن «گی یارد»^۱ است. وی می‌نویسد: «ادبیات تطبیقی تاریخ روابط ادبی بین‌المللی است. پژوهشگر ادبیات تطبیقی مانند کسی است که در سرحد قلمرو زبان ملی به کمین می‌نشیند تا تمام دادوستدهای فکری و فرهنگی میان دو یا چند ملت را ثبت و بررسی کند». (گی یارد، ۱۹۵۶: ۵)

یکی از ویژگی‌های متمایز شعر و نثر عربی «حکمت» است که برخی شاعران در ادبیات عربی آن را دست‌مایه اصلی اشعار خود قرار داده‌اند، از جمله این شاعران می‌توان به «ابوتمام»، «متنبی» و «شریف رضی» در دوره عباسی و «زهیر بن ابی سلمی»، «الافوه الاودی»، «سموال بن عادیا» و «عدی بن زید العبادی» در دوره جاهلی اشاره کرد؛ شاعرانی که موضوع حکمت، بخش اعظم افکار و تصوراتشان را تشکیل می‌دهد. حکمت در عصر معاصر نیز از سوی شاعرانی چون «محمود سامی بارودی»، «احمد شوقی»، «حافظ ابراهیم» و عده دیگری مورد اهتمام قرار گرفته و سهم عمده‌ای از اشعار آنها را به خود اختصاص داده است. توجه بارودی به گزاره‌های اخلاقی و حکمت، تأثیر وی از شاعران عصر عباسی و دیگر متون موجود در میراث ماندگار عربی و اسلامی، از جمله آثار حاوی سخنان امام علی علیه السلام را نشان می‌دهد.

مطالعه حکمت‌ها و سخنان حکمی امام علی علیه السلام از یک سو و خواندن اشعار حکمی بارودی در دیوان وی از سوی دیگر این موضوع را در ذهن متبلور می‌کند که بارودی در سرودن اشعار حکمی خود غیر از شاعران ادوار گذشته شعر عربی، به سخنان حکمت‌آمیز و ماندگار امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز نظر داشته و از آن سخنان بهره برده است، افزون بر این بارودی ارادت خاصی به امام علی علیه السلام داشته و اذعان کرده است که دوستداران امام علیه السلام در دنیا و آخرت رستگار می‌شوند. شاعر همچنین به فضل و برتری امام علیه السلام در اشعار خود اشاره کرده است، چنان‌که این موضوع از قصیده‌ای که در مدح مولای متقیان سروده، کاملاً هویدا است:

1. Marius-François Guyard.

أَحَبُّتُ مَنْ وَالَى «عَلِيًّا» رَغْبَةً فِي فَضْلِهِ وَكَرِهْتُ مَنْ عَادَاهُ
(ر.ک: بارودی، ۱۹۹۸: ۷۰۴)



بنابراین آگاهی از این موضوع که آیا اشعار بارودی در موضوع حکمت تحت تأثیر سخنان امام علی علیه السلام بوده است یا نه، یا اینکه شاعر در سرودن چنین اشعاری - اگر تحت تأثیر سخنان امام علیه السلام بوده - این تأثیر تا چه اندازه و در چه سطحی بوده است، ذهن هر پژوهشگری را به خود مشغول می‌کند. بنابراین بر آن شدیم تا احتمال تأثیر بارودی در سرودن حکمت را از آثار امام علی علیه السلام و ارتباط اشعار حکمی وی با حکمت‌های موجود در این آثار را بر اساس ادبیات تطبیقی برگرفته از مکتب فرانسه مورد بررسی قرار دهیم تا در نهایت پاسخ‌گوی پرسش‌هایی از این دست باشیم که آیا بارودی در سرودن اشعار حکمی تحت تأثیر نهج البلاغه بوده است یا خیر؟ شاعر معاصر عربی تا چه حد از سخنان امام علی علیه السلام تأثر پذیرفته است؟ اینکه اشعار حکمی بارودی در مقایسه با حکمت‌های امام علیه السلام چه شکلی به خود می‌گیرد و در صورت تأثیرپذیری مستقیم بارودی از این سخنان، این تأثیر چه میزان و در چه سطحی بوده است؟

تحقیق درباره موضوع حکمت در شعر بارودی و تأثیر آن از سخنان امام علی علیه السلام و البته مقایسه آنها بر اساس یکی از شاخه‌های ادبیات تطبیقی به نظر می‌رسد از سوی محققان مورد توجه قرار نگرفته و نگارندگان به تحقیقی درخور در این زمینه دست نیافتند.

با توجه به اینکه محمود سامی بارودی به‌عنوان پیشوای شعر معاصر عربی شناخته می‌شود و نظر به اینکه وی به‌واسطه خلق معانی و مفاهیم نوکلاسیکی در اغراض مختلف از جمله حکمت، نوعی نهضت ادبی را در ادبیات معاصر رهبری کرد، از این‌رو آگاهی از منابع الهام‌بخش این شاعر و منابعی که زمینه خلق تصاویر بدیع حکمی از سوی این شاعر را فراهم آورده است، اهمیت موضوع حاضر را بیش‌ازپیش اثبات می‌کند، از سوی دیگر تأثیر چنین تحقیقاتی در همبستگی و تقریب هرچه بیشتر بین ملل و مذاهب مختلف برکسی پوشیده نیست.

یک. ابراز ارادت بارودی به امام علی علیه السلام

بارودی به امام علی علیه السلام ارادت خاصی داشته است و همین ارادات خالصانه باعث شده است تا در قصیده‌ای زبان به مدح ایشان بگشاید. بدون شک چنین موضوعی بیانگر این است که شاعر معاصر عرب سخنان امام علی علیه السلام را خوانده و در برخی موضوعات از جمله حکمت متأثر از آن حضرت بوده است: شاعر در این قطعه، که حاوی شش بیت است، امام علی علیه السلام را ستایش و به فضل و برتری

امام علی علیه السلام اشاره می‌کند. مطلع این قصیده چنین است:

أَحْبَبْتُ مَنْ وَالَى «عَلِيًّا» رَغْبَةً فِي فَضْلِهِ وَكَرِهْتُ مَنْ عَادَاهُ
کسی را که علی علیه السلام را دوست بدارد به خاطر رغبت در فضل و کرمش
دوست دارم و از دشمنش بیزارم. (بارودی، ۱۹۹۸: ۷۰۴)

دو. بررسی تطبیقی حکمت در اشعار حکمی بارودی و سخنان حکمت‌آمیز امام علی علیه السلام

«ادبیات تطبیقی از دیدگاه مکتب فرانسوی، شاخه‌ای از تاریخ ادبیات است که به بررسی روابط تاریخی در میان دو یا چند ادبیات ملی و بررسی تأثیر و تاثر آنها می‌پردازد» (صالح بک و نظری منظم، ۱۳۸۷: ۳۸) ژان ماری کاره تطبیق‌گر برجسته فرانسوی در مقدمه‌ای که بر کتاب ادبیات تطبیقی گی یارد نوشته است، می‌گوید: «ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از تاریخ ادبیات است که به مطالعه پیوندهای فکری بین‌المللی و روابط موجود در میان بایرون، پوشکین، گوته، کارلایل و ... می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، ادبیات تطبیقی به بررسی پیوندهای مختلف در بین آثار ادبی جهان و کشف منابع خارجی آن آثار اهتمام می‌ورزد؛ ادبیات تطبیقی به مطالعه ارزش آثار ادبی نمی‌پردازد، بلکه بیشتر به دگرگونی‌هایی توجه دارد که یک ملت یا یک نویسنده در آثار دیگر ملت‌ها ایجاد می‌کند. در حقیقت واژه تأثیرپذیری اغلب به مفهوم تفسیر، واکنش، پایداری و ستیز است». (گی یارد، ۱۹۵۶: ۵)

سه. نمونه‌های تطبیق

۱. سخن چینی

«سخن چینی» در زبان فارسی به معنای خبرکشی است (دهخدا، ۱۳۳۹: ۴ / ۳۵۸) در اصطلاح به معنای رساندن و گفتن سخن کسی به دیگری است که موجب اختلاف میان آن دو شود و یا راز شخص بدین وسیله فاش گردد (معین، ۱۳۶۰: ۴ / ۱۸۴۳) امام علی علیه السلام در حکمت ۲۳۹ به همین موضوع سخن چینی اشاره کرده است و پیروی از سخن چینی را عامل جدایی دوستان و ایجاد دشمنی بین افراد عنوان کرده است. آنجا که می‌فرماید: «مَنْ أَطَاعَ التَّوَالِيَّ ضَيَّعَ الْحَقُوقَ، وَمَنْ أَطَاعَ الْوَالِيَّ ضَيَّعَ الصَّدِيقَ» (حکمت ۲۳۹)؛ هر کس تن به سستی دهد، حقوق را پایمال کند و هر کس سخن چینی را پیروی کند دوستی را به نابود کشاند».

امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه خطاب به کارگزاران حکومت سفارش کرده‌اند:

ولیکن ابعدر عیتک منک و اشنوهم عندک اطلبهم لمعايب الناس ... ولا تعجلن





الی تصدیق ساع فان الساعي غاش وان تشبه بالناصحين. (نامه ۵۳)

و باید از رعیت کسی را بیش از همه دور و دشمن داشته باشی که به گفتن زشتی‌های مردم اصرار دارد... و در تصدیق و باور داشتن بدگو و سخن‌چین شتاب منما؛ زیرا سخن‌چین خیانتکار و فریب‌دهنده است، هرچند خود را به صورت پنددهندگان درآورد.

همین مضمون دست‌مایه برخی از اشعار سامی بارودی نیز هست که تا حدودی به مفاهیم سخن‌چینی در نزد امام علی علیه السلام نزدیک است و سطحی از تأثیر بارودی از این اندیشه را تجلی می‌کند، آنجا که چنین می‌سراید:

لولا التَّمِيمَةَ لَمْ يَتَّعَ بَيْنَ امْرِيٍّ و أٰخِيَهٗ مِنْ بَعْدِ الْوِدَادِ عِدَاءُ
لَا تَرْهَبِي قَوْلَ الْوَشَاةِ فَإِنَّهُمْ قَدْ أَحْسَنُوا فِي الْقَوْلِ حِينَ أَسَاءُوا
لَا تَرَكْنَنِّي إِلَى النَّمَامِ إِنَّ لَهُ خَدَعًا يَفْرُقُ بَيْنَ الرُّوحِ وَ الْبَدَنِ
(بارودی، ۱۹۹۸: ۶۸۳)

ترجمه: اگر سخن‌چین نبود بین شخص و برادرش بعد از دوستی، دشمنی اتفاق نمی‌افتاد. از گفتار سخن‌چین ترس؛ زیرا آنها هنگامی که نیتی سوء دارند، سخن‌های نیکو به زبان می‌آورند. به سخن‌چین اعتماد نکن؛ زیرا او فریب‌کاری است که بین روح و بدن جدایی می‌اندازد. امام علی علیه السلام پیروی از سخن‌چین را باعث از دست رفتن دوست می‌داند و بارودی نیز در بیت نخست از ابیات فوق همین موضوع را یادآوری می‌کند و معتقد است که اگر سخن‌چینی نبود بین دوستان و برادران پس از دوستی، دشمنی و خصومت رخ نمی‌داد. بارودی در بیت دوم قائل به این است که سخن‌چین زمانی که نیت سوء دارد، سخن‌های نیکو بر زبان می‌آورد که این موضوع بیانگر همان سخن امام علیه السلام در سفارش به کارگزاران حکومت است که می‌فرماید: «سخن‌چین خود را به شکل پنددهندگان درمی‌آورد، درحالی که فریب‌دهنده است»؛ تأثیر در اینجا هویداست؛ زیرا متن بارودی در موازات متن امام علی علیه السلام خلق شده است و درواقع شاعر، محتوای سخن امام علیه السلام را اخذ کرده و با کلمات متفاوت اقدام به بازآوری آن نموده است.

۲. اعتدال در دوستی و دشمنی

امام علی علیه السلام حد دوستی و دشمنی را همان حد اعتدال توصیه می‌کند و در حکمت شماره ۲۶۸ چنین می‌فرماید:



أحب حبيبي هوناً ما، عسى أن يكون بغيضك يوماً ما وأبغض بغيضك هوناً ما، عسى أن يكون حبيبي يوماً ما. (حکمت ۲۶۸)

دوست خود را دوست بدار از سر اعتدال، شاید روزی از روزها دشمنت شود، و دشمنت را دشمن بدار از روی میانه‌روی، شاید روزی از روزها دوستت گردد.

همچنین ایشان در حکمت ۱۱۷ نهج البلاغه نسبت به افراط و تفریط در دوستی و دشمنی هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «هلک فی رجلان: مُحِبٌّ غَالٍ و مُبْغِضٌ قَالٍ؛ دو تن به خاطر من به هلاکت رسیدند: دوست افراط‌کننده و دشمن دشنام‌دهنده».

بارودی به‌همین موضوع اعتدال در حب و بغض نیز اشاره کرده و اشعاری در این زمینه سروده است که باز هم به‌نظر می‌رسد به سخنان امام علی علیه السلام نظر داشته است، آنجا که می‌سراید:

أحِبِّ و أَبْغِضْ و قُلِّ بِحَقِّ و لَا تُسَاهِلْ و لَا تُخَاشِشْ
فَالْحُبُّ يَعْصِي عَنِ الْمَسَاوِي وَاَلْبُغْضُ يَعْصِي عَنِ الْمَحَاسِنِ
(بارودی، ۱۹۹۸: ۶۸۲)

ترجمه: دوست بدار و دشمن بدار و سخن حق بگو و نه زیاد سهل‌گیر باش و نه زیاد سخت‌گیر. عشق و دوستی مانع دیدن بدی‌ها و دشمنی و کینه مانع دیدن نیکی‌ها می‌شود. به‌نظر می‌رسد بارودی در سرودن این شعر به سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه نظر داشته است؛ آنجا که امام علیه السلام با کمترین کلمات، نسبت به اعتدال در دوستی توصیه می‌کند و بارودی نیز به تبعیت از این حدیث، بهترین حد برای حب و بغض را حد میانه می‌داند. بیت دوم نیز یادآور حدیث «حب الشيء يعصی ويصير» در *غرر الحکم و درر الکلم* است که مضرات حب زیاد نسبت به چیزی را مطرح می‌کند. میزان تأثیرپذیری متن تأثیرپذیر از متن تأثیرگذار در این موضوع، به شیوه تقلید صرف است؛ زیرا بارودی بدون هیچ نوآوری و با همان کلمات امام علیه السلام، اعتدال در دوستی و دشمنی و زیان افراط در آن دو را بیان می‌کند و در اینجا تقلید صرف است. واژه‌های «احب»، «ابغض»، «الحب» و «یعمی»، خواننده را به متن تأثیرگذار سوق می‌دهد.

۳. شناخته شدن دوست در هنگام گرفتاری

شناخته شدن دوست در هنگام گرفتاری از دیگر حکمت‌هایی است که در هر دو متن به آن اشاره شده است؛ از نظر امام علی علیه السلام دوست خوب کسی است که در گرفتاری‌ها به یاری‌ات بیاید و در این باره



می‌فرماید: «دوست را در هنگام گرفتاری و سختی بیازمای.» یا در جایی دیگر به‌همین موضوع اشاره کرده و می‌فرماید: «برادرت کسی است که در هنگام سختی تو را تنها نگذارد و اگر لغزشی کنی دست از حمایت تو باز ندارد و چون از او پرسش کنی تو را فریب ندهد.»

بارودی که بارها از دوست صدمه دیده است، در نهایت به این باور می‌رسد که برادر و دوست واقعی کسی است که در زمان گرفتاری به یاد دوست باشد و اگر برادر و دوست در سختی یاریگر تو نباشد، دوست تو نیست:

إِذَا الْمَرْءُ لَمْ يَنْصُرْ أَخَاهُ بِنَفْسِهِ لَدَى كُلِّ مَكْرُوهِ فَلَيْسَ بِصَاحِبِ
(بارودی، ۱۹۹۸: ۷۰)

در اینجا تأثیرپذیری با اندکی نوآوری از سوی شاعر همراه است؛ شاعر محتوای سخن امام علی علیه السلام را که همان شناختن دوست در سختی‌ها و گرفتاری‌ها است، جذب کرده و با کلماتی دیگر مطرح کرده است. درواقع می‌توان گفت که بیان این مفهوم به‌شکل شعر خود نوآوری است که از سوی شاعر خلق شده است.

۴. دوری از همنشین احمق

یکی از مواردی که امام علی علیه السلام نسبت به آن تأکید می‌کند، پرهیز از شخص احمق است؛ از نظر امام، احمق به‌دنبال آن است تا دوست را به شکل خود درآورد. ایشان در حکمت ۲۹۳ نهج‌البلاغه چنین می‌فرماید: «لَا تَصْحَبُ الْمَائِقَ فَإِنَّهُ يَزِينُ فَعْلَهُ وَيُوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ؛ هَمْنَشِينِ اِحْمَقِ مَبَاشِ كَمَا كَارِ زَشْتِ خُودِ رَا زِيْبَا جُلُوْهٍ دَادَهٍ وَ دُوسْتِ دَارْدُ تُوْ هَمَانْدِ اُوْ بَاشِي.»

آن حضرت در حدیث دیگری چنین می‌فرماید: «صَدِيقُ الْاِحْمَقِ فِي تَعَبٍ؛ كَسِي كَه رَفِيْقِ اِحْمَقِ دَارْدِ هَمُوَارَهْ دَر رَنْجِ وَ نَارَاحَتِي اسْت.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۲۱)

این حکمت نیز از سوی بارودی مطرح شده است که یادآور همان سخنان امام علی علیه السلام در این مضمون است؛ هرچند ابراز این حکمت از سوی شاعر به شیوایی و بلاغت امام علیه السلام نمی‌رسد، اما بیانگر تأثیرپذیری موازی شعر وی با سخن حکمت‌آمیز سلطان سخن است:

وَاجْتَنِبْ كُلَّ غَبِيٍّ مَائِقٍ فَهُوَ كَالْغَيْرِ إِذَا جَدَّ قَمَصٍ
(بارودی، ۱۹۹۸: ۲۹۷)

ترجمه: از هر کودن احمقی دوری کن که همانند الاغی است که آنگاه که در حرکت مضطرب شود، لگد زند.

لاَتُعَاشِرُ مَا عَشَتْ أَحْمَقُ، وَ اعْلَمْ
 لَيْسَ بَيْنَ الْجُنُونِ وَ الْحُمَقِ إِلَّا
 أَنَّهُ فِي الْوُجُودِ حَيٌّ كَمَيْتِ
 مِثْلُ مَا بَيْنَ أَدْهَمِ وَ كَمَيْتِ
 (بارودی، ۱۹۹۸: ۹۴ و ۹۵)

ترجمه: در زندگی با شخص احمق معاشرت نکن که او در هستی زنده همانند مرده است / بین دیوانگی و حماقت تفاوتی نیست، همچنان که بین اسب سیاه و اسب سرخ مایل به سیاه تفاوتی وجود ندارد. چنان که پیداست بین هر دو متن نوعی رابطه تأثیر و تأثر وجود دارد؛ به این شکل که هر دو نسبت به دوری و اجتناب از احمق و معاشرت با آن بر حذر می‌دارند. بارودی نیز همانند امام علی علیه السلام واژه ماتی را برای احمق به کار می‌برد؛ در واقع رابطه در اینجا نیز از نوع تأثیرپذیری همراه با تلاش برای نوآوری است به این شکل که شاعر محتوای سخن امام را با واژگانی دیگر و با اندکی نوآوری بیان می‌کند.

۵. دوست‌یابی

امام علی علیه السلام در سخنان حکمت‌آمیز خود نسبت به پیدا کردن دوست تأکید می‌کند و نداشتن دوست را با غربت یکی می‌داند، چنان که در یکی از حکمت‌ها می‌فرماید: «فَقَدْ الْأَحْبَبَةَ غُرْبَةً؛ از دست دادن دوست غربت است». (حکمت ۶۵)

امام علیه السلام در جایی دیگر همین موضوع را گوشزد و می‌فرماید: «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَاعْجَزُ مَنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مِنْ ظَفَرِهِ بِهِ مَنْهُمُ؛ ناتوان‌ترین مردم کسی است که در دوست‌یابی ناتوان است و از او ناتوان‌تر آن که دوستان خود را از دست بدهد». (حکمت ۱۲)

در نامه ۳۱ نیز نسبت به دوست‌یابی و دوری از تنهایی تأکید و می‌فرماید: «وَالْغَرِيبُ مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَبِيبٌ؛ انسان غریب و تنها کسی است که دوستی ندارد». (نامه ۳۱)

این در حالی است که بارودی خلاف این موضوع را در اشعار خود بازتاب می‌دهد؛ بارودی بر عکس سخنان امام علی علیه السلام تأکید دارد که تنهایی بهتر از دوست‌یابی است و توصیه می‌کند که در زندگی به دنبال دوست نباشید؛ جایی که می‌گوید:

و عِشْ فَرْدًا فَمَا فِي النَّاسِ خَلٌّ يَسْرُكُ فِي بَعَادٍ وَ اقْتِرَابِ

(بارودی، ۱۹۸۸: ۶۶)

فَانْفُضْ يَدِيكَ مِنَ الزَّمَانِ وَ اهْلِهِ فَالْسَعَطَى فِي طَلَبِ الصَّدِيقِ هِبَاءٌ

(همان: ۴۰)





ترجمه: تنها زندگی کن؛ زیرا که در میان مردم، دوست صمیمی که تو را از دور و نزدیک مسرور و شاد نماید، وجود ندارد. دستانت را از زمان و اهل زمانه بشوی (ناامید باش)؛ زیرا تلاش در جهت دوست‌یابی امری محال است.

چنان که پیداست، بارودی در این اشعار باز هم نوعی تعامل را با سخنان امام علی علیه السلام مطرح می‌کند که می‌توان نام تأثیرپذیری عکس، بر آن گذاشت؛ بدین شکل که نویسنده در خلق متن خود، تحت تأثیر متن‌های پیشین است اما معانی متفاوتی از آن را مطرح می‌کند و در واقع معنای متن نسبت به متن یا متون تأثیرپذیرفته از آن، متفاوت می‌گردد (همان) این تأثیر را بالاترین درجه تأثیر و تأثر متون از یکدیگر می‌دانند (موسی، ۲۰۰۰: ۵۵) متن تأثیرپذیر، عکس موضوع مطرح‌شده در متن تأثیرگذار را مطرح می‌کند و با آن نوعی تعامل برعکس را نشان می‌دهد.

۶. روش برخورد با دوستان خطاکار و مراعات حقوق آنها

از دیگر مواردی که امام علی علیه السلام نسبت به آن تأکید دارد، لزوم درگذشتن از خطا و لغزش دوست است، آن حضرت در این باره می‌فرماید: «عَاتِبَ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَارْدُدْ شُرَّةَ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ؛ برادر و دوستت را با احسانی که در حقش می‌کنی، سرزنش کن و شر او را با بخشش بازگردان». (حکمت ۱۵۸) بارودی نیز به تبعیت از امام علی علیه السلام، نسبت به بخشش لغزش‌های دوست تأکید کرده و بیان می‌کند که اگر از لغزش‌های دوست نگذریم، تا آخر عمر تنها خواهیم ماند، آنجا که چنین می‌سراید:

وَأَنْ هُوَ لَمْ يَصْفَحْ عَنِ الْخَلِّ إِنَّ هَفَاً أَقَامَ وَحِيداً أَوْ قُضِيَ الْعُمَرُ غَاضِباً
(بارودی، ۱۹۸۸: ۸۱)

ترجمه: اگر انسان از خطاهای دوست نگذرد تا آخر عمر تنها می‌ماند یا عمر خود را در حال خشم سپری می‌کند.

در هر دو متن فوق نوعی تعامل و رابطه وجود دارد که تأثیرپذیری متن دوم از متن نخست را نشان می‌دهد؛ این رابطه به این شکل است که شاعر به تبعیت از امام علی علیه السلام معتقد است که باید از لغزش‌های دوستان گذشت تا دوستی برقرار و پایدار باشد. محتوای متن تأثیرپذیرنده و متن تأثیرگذار یکی است اما با واژه‌های متفاوت مطرح شده است.

امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ حقوق دوستان را ذکر کرده و نسبت به آن دعوت می‌کند. در بخشی از این نامه چنین می‌فرماید:



أَحْمِلْ نَفْسَكَ مِنْ أَخِيكَ عِنْدَ صَرْمِهِ عَلَى الصَّلَاةِ، وَعِنْدَ صُدُودِهِ عَلَى اللَّطْفِ وَالْمُقَارَبَةِ،
وَعِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى التَّبَدُّلِ، وَعِنْدَ تَبَاعُدهِ عَلَى الدُّنُوِّ، وَعِنْدَ شِدَّتِهِ عَلَى اللَّيْنِ، وَعِنْدَ جُرْمِهِ عَلَى
الْعُذْرِ، حَتَّى كَأَنَّكَ لَهُ عَبْدٌ، وَكَأَنَّهُ ذُو نِعْمَةٍ عَلَيْكَ، لَا تَتَّخِذَنَّ عَدُوَّ صَدِيقِكَ صَدِيقًا
فَتُعَادِي صَدِيقَكَ وَامْحَضْ أَخَاكَ النَّصِيحَةَ، حَسَنَةً كَانَتْ أَمْ قَبِيحَةً.

چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را برقرار کن، اگر روی برگرداند،
تو مهربانی کن و چون بخل ورزد تو بخشنده باش، هنگامی که دوری می‌گزیند،
تو نزدیک شو و چون سخت می‌گیرد، تو آسان گیر و به هنگام گناهش عذر او
را بپذیر، چنان‌که گویا بنده او می‌باشی و او صاحب نعمت توست.

آن حضرت در جایی دیگر باز همین موضوع را یادآوری و می‌فرماید:

عَلَيْكَ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ وَإِكْرَامِ الْعُلَمَاءِ وَالصَّفْحِ عَنِ زَلَّاتِ الْإِخْوَانِ فَقَدْ أَذَبَكَ سَيِّدُ
الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ بِقَوْلِهِ ﷺ اَعْفُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ صِلْ مَنْ قَطَعَكَ وَ اَعْطِ مَنْ
حَرَمَكَ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۵ / ۷۱)

تو را سفارش می‌کنم به مدارای با مردم و احترام به علما و گذشت از لغزش
برادران دینی؛ چراکه سرور اولین و آخرین، تو را چنین ادب آموخته و فرموده
است: «گذشت کن از کسی که به تو ظلم کرده، رابطه برقرار کن با کسی که با
تو قطع رابطه کرده و عطا کن به کسی که از تو دریغ نموده است».

افزون بر این در آیه ۸۵ سوره حجر نیز به همین موضوع صفح و گذشت اشاره شده است، آنجا که
می‌فرماید: «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر / ۸۵) از علی علیه السلام در تفسیر این آیه چنین نقل شده است
که «صفح جمیل، عفو بدون عتاب و سرزنش مجرم است». (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۳۰)
بارودی از همین مفاهیم و مضامین موجود در سخنان حکمت‌آمیز امام علیه السلام وام گرفته و آن را در
ابیاتی چند بیان کرده است؛ در جایی به همین موضوع اشاره کرده و چنین می‌سراید:

إِذَا أَتَاكَ خَلِيلٌ بَعْدَ مَنَدْمَةٍ مِنْهُ عَلَى مَا مَضَى مِنْ زَلَّةٍ فَهِنَّ
وَ إِنْ صَفَحْتَ فَلَا تَعْرُضْ بِمَعْتَبَةٍ فَالْعَتَبُ يَفْسِدُ مَا قَدَّمْتَ مِنْ حَسَنِ
(بارودی، ۱۹۸۸: ۶۸۲)

ترجمه: اگر دوستی پس از پشیمانی در لغزشی به‌سوی تو بازگشت، عذرش را بپذیر / اگر
درگذشتی، سرزنش را کنار گذار که سرزنش نیکی را تباہ می‌کند.



مفهوم «درگذشتن از لغزش‌های دوستان و برادران و عدم سرزنش به هنگام گذشت» مفهومی است که از وجود نوعی رابطه تأثیر و تأثر در این دو متن پرده برمی‌دارد؛ شاعر با واژگانی نزدیک به سخنان امام علی علیه السلام همچون «صفح»، «زلة» و «عتاب»، این رابطه را برقرار می‌کند، بنابراین تقلیدی صرف را در این خصوص به نمایش می‌گذارد؛ چراکه متن تأثیرپذیرنده در اینجا ادامه متن تأثیرگذار است و چیزی به نام نوآوری در آن وجود ندارد.

۷. بخل و ترس؛ عیب و نقص است

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

الْبُخْلُ عَارٌ وَالْجُبْنُ مَنْقَصَةٌ وَالْفَقْرُ يَخْرِسُ الْفَطِنَ عَنْ حُجَّتِهِ وَالْمُقِلُّ غَرِيبٌ فِي بَلَدَتِهِ.

(حکمت ۳)

بخل ننگ است، ترس نقصان است و فقر شخص زیرک را از بیان دلیلش گنگ می‌سازد و شخصی که فقیر است در شهرش نیز غریب و بیگانه است.

چهار موردی که در کلام امام بیان شده است با هم ارتباط دارند و همه آنها مبتنی بر مسائل مادی است. در اولین جمله می‌فرماید: «بخل ننگ است». حقیقت ننگ آن چیزی است که دور از شأن انسان باشد. ننگ نوعی عیب است که به شرافت انسان لطمه می‌زند، نقصان جسمانی عیب نیست، بلکه نقصان شخصیتی و حیثیتی، عار است. بخل چون دون شأن انسان است، در نتیجه عیب محسوب می‌شود؛ چراکه شأن انسان این است که با عالم هستی هم‌صدا باشد. بارودی نیز ابیاتی با همین مضمون دارد که از آگاهی وی از مضامین سخنان امام علی علیه السلام در این زمینه حکایت می‌کند.

فَالْبُخْلُ وَالْجُبْنُ فِي الْإِنْسَانِ مَنْقَصَةٌ لَمْ يَجْنِيهَا غَيْرُ سُوءِ الظَّنِّ بِاللَّهِ

(بارودی، ۱۹۹۸: ۷۰۶)

ترجمه: وجود بخل و ترس در انسان، نقصانی است که جز سوءظن و تردید به خدا ثمری ندارد. «الجبن منقصة» عین جمله‌ای است که بارودی از کلام امام علی علیه السلام برگرفته و به همان شکل و بدون هیچ‌گونه تغییری در شعر حکمی خود به کار برده است؛ هرچند که بارودی بخل و ترس را عیب می‌داند و قادر نیست سخنی فراتر و هم‌سطح امام بیافریند اما با همین جمله خواننده را به متن تأثیرگذار حکمت امام علیه السلام و همین‌طور تقلید صرف از سخنان امام ارجاع می‌دهد.



۸. غنیمت شمردن فرصت‌ها

امام علی علیه السلام در سخنان حکمت‌آمیز خود نسبت به غنیمت شمردن فرصت بسیار تأکید کرده است. امام علیه السلام ضمن یادآوری ارزش و اهمیت فرصت‌ها، پیروان خود را به بهره‌گیری از این فرصت‌های زودگذر تشویق کرده و چنین می‌فرماید:

الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ. (حکمت ۲۱)

فرصت‌ها همچون عبور ابرها می‌گذرد، بنابراین فرصت‌های نیک را غنیمت به‌شمارید.

از نگاه امام علی علیه السلام بهره‌گیری از فرصت‌ها به‌ویژه جهت توشه‌اندوزی برای آخرت، شیوه متقین و نشانه عقل و تدبیر است و از دست دادن فرصت و یا عجله در کار، که هنوز موعد آن فرانسیده نشانه بی‌خردی و نادانی است. ایشان کسانی که به‌موقع از فرصت‌های خود استفاده و بر اجل پیش‌دستی کرده و از کار و تلاش خود توشه کافی برگیرند را مشمول رحمت خدا دانسته و در مقابل، از دست رفتن فرصت را موجب اندوه و پشیمانی می‌داند. آن حضرت در جایی دیگر چنین می‌فرماید: «فرصت‌هایی که پیش می‌آید را سریع دریابید؛ زیرا هر چیزی سرآمد و وقت مشخصی دارد که دیگر بازگشتی نداشته و یا بسیار دیر باز می‌گردند» (خطبه ۲۳۲) امام علیه السلام همچنین نسبت به غنیمت شمردن فرصت و جوانی تأکید دارد و در این باره نیز می‌فرماید: «دو فرصت جوانی و سلامتی تا زمانی که از دست نرفته‌اند قدرشان شناخته نمی‌شود.» (نامه ۳۱) از نگاه امام علی علیه السلام ثمره بهره‌گیری از فرصت جوانی در فراگیری دانش، سروری و آقایی در بزرگی است (همان) بارودی نیز در همین مضمون اشعاری سروده است که در آنها چنین می‌سراید:

فیلوغ العز فی نیل الفرص	بادر الفرصة و احذر فوتها
فهو إن زاد مع الشیب نقص	واغتنم عمرک إبان الصبا
قلما یبقی و أخبار تقص	إنما الدنیا خیال عارض
عادة الظلّ سجا ثمّ قلص	تارة تدجو و طورا تنجلی

(بارودی، ۱۹۹۸: ۲۹۶)

ترجمه: به‌سوی فرصت‌ها بشتاب و مواظب باش که از بین نروند؛ چراکه عزت و بزرگواری در درک فرصت‌ها است. عمر خود را در عنفوان جوانی غنیمت دان؛ زیرا که اگر با پیری همراه شود نقص و عیب است. همانا دنیا خیالی زودگذر است ... دنیا گاهی تیره و تاریک و گاهی روشن است و از عادت سایه فراگیری، سپس کوتاه شدن است.



بارودی نیز به تبعیت از امام علی علیه السلام به موضوع غنیمت شمردن فرصت‌ها تأکید کرده و بیان کرده است که فرصت‌ها را غنیمت شمارید؛ چراکه عزت و بزرگواری در غنیمت شمردن فرصت است. مفهوم «غنیمت شمردن فرصت‌ها و همچنین غنیمت شمردن فرصت جوانی» باعث ایجاد نوعی ارتباط و نوعی رابطه تأثیر و تأثر بین دو متن مذکور شده است؛ مفهوم یکی است اما با واژگانی تا حدودی متفاوت مطرح شده است؛ شاعر با همان عبارت‌ها و واژگان، تعامل موجود بین دو متن را برای خواننده مطرح می‌کند.

۹. موفقیت به واسطه تلاش است

از نکات قابل توجه در مورد موفقیت این است که بلندهمتی و موفقیت با تن‌پروری سازگار نیست. طالب موفقیت باید خود را از تن‌آسایی و تن‌پروری دور کند و با تمام توان خویش به تلاش و کوشش بپردازد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

فشدوا عقد المآزر و اطووا فضول الخواصر ولا تجتمع عزيمة و ولیمة. (خطبه ۲۴۱)
کمربندها را محکم ببندید و دامن همت بر کمر زنید که به‌دست آوردن
ارزش‌های والا با خوشگذرانی میسر نیست.

بارودی همین مطلب را نیز دست‌مایه اشعار خود قرار داده و در این باره معتقد است که موفقیت تنها با تلاش بشر مرتبط است و تنها در این صورت است که موفقیت حاصل می‌شود:

فاقدف بنفسک فی اقصی مطالبها إن النجاح بسعی المرء مرتبط
(بارودی، ۱۹۹۸: ۳۰۷)

ترجمه: نفس خود را در بالاترین درجه از خواسته‌های آن پرتاب کن (سوق بده)؛ زیرا که موفقیت با تلاش انسان ارتباط دارد.

چنان‌که پیدا است هر دو متن به موضوع ارتباط موفقیت با تلاش اشاره کرده است؛ امام علی علیه السلام این موضوع را با کلماتی موجز و بسیار شیوا مطرح کرده است، درحالی‌که شاعر با واژگانی ساده و سهل‌الوصول موضوع مذکور را مطرح نموده است که این امر از نقصان بلاغت شاعر در برابر امام علی علیه السلام پرده برمی‌دارد. شاعر هرگز نمی‌تواند این مفهوم را در ابیات و واژگانی فراتر از امام بیان کند و راهی جز تقلید صرف پیش‌روی خود نمی‌بیند اما شاید بتوان به‌صورت شعر مطرح کردن این موضوع را نوآوری از سوی شاعر دانست، ولی در هر صورت شاعر تنها مفهوم سخنان امام علی علیه السلام را



در یک بیت یادآوری کرده است. شاعر اصل مطلب را از امام علیه السلام گرفته و در شکلی تازه آورده است اما در عین حال بیانگر تحت تأثیر بودن شاعر از امام است.

۱۰. دعوت به میانه‌روی و اعتدال در کارها

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «وقتی خدا اراده کند که به بنده‌ای از بندگانش خیری برساند به او فضیلت میانه‌روی در امور و توانایی تدبیر شایسته زندگی را الهام می‌کند و او را از سوء تدبیر و اسراف و زیاده‌روی دور می‌سازد.» (لیثی، ۱۳۷۶: ۱۳۱) امام علیه السلام همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: «علیک بالقصد فی الأمور (همان: ۴ / ۲۹۱)؛ بر تو باد به میانه‌روی در همه کارها».

فدو الحزم یرعی القصد فی کل حالة و ذو الجهل إما مفرط او مفرط
(بارودی، ۱۹۹۸: ۳۱۱)

ترجمه: خردمند و دوراندیش در هر موردی میانه‌روی را مراعات می‌کند، درحالی که نادان دچار افراط و تفریط می‌شود.

از نظر امام علی علیه السلام، تنها فرد با تدبیر و خردمند می‌تواند از سوء تدبیر و افراط و تفریط دوری کند؛ بارودی در بیت فوق اصل مطالب امام علی علیه السلام را مطرح کرده و بدون اینکه تغییر آن چنانی در آن دهد، همان مفهوم و همان واژگان را به کار برده است. نوع تأثیرپذیری در اینجا باز هم از نوع تقلید و تأثیرپذیری صرف است؛ چراکه سخن شاعر را می‌توان به نوعی ادامه سخن امام علیه السلام دانست.

نتیجه

افزون بر قصیده‌ای که محمود سامی بارودی در مدح امام علی علیه السلام سروده و نشانگر این قضیه است که شاعر می‌بایست به شدت تحت تأثیر سخنان امام علی علیه السلام باشد، در جای‌جای دیوان پیشوای شعر معاصر عربی، مطالب، حکمت‌ها، مفاهیم و نشانه‌هایی همانند مطالبی که ذکر شد، وجود دارد که به روشنی بیانگر تأثیر شاعر بزرگ معاصر عرب از امام نخست شیعیان و سخنان حکمت‌آمیز ایشان است.

شاعر به شیوه‌های مختلف، تأثیر از سخنان امام علی علیه السلام را نشان می‌دهد؛ این موضوع را یا با تقلید صرف و آوردن همان واژگان سخنان امام، یا با وام‌گیری مفهوم آن سخنان و بازآفرینی آنها در شعر و به عبارتی دیگر با به‌نظم در آوردن آن سخنان را مطرح می‌کند یا اینکه با سرودن اشعاری خلاف مفهوم سخنان امام علیه السلام به بیان این تأثیر می‌پردازد.

خواننده از طریق واژگان و یا مفهوم و محتوای اشعار حکمی بارودی و همچنین به واسطه رگه‌هایی از اندیشه مذهبی که در هنگام خواندن اشعار حکمی وی تجلی می‌یابد، به تأثیرپذیری وی از سخنان حکمت‌آمیز امام علی علیه السلام پی می‌برد.

منابع و مأخذ

الف) کتابها

- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۹۲، قم، پیروز.
- ابوالشباب، واصف، ۱۹۸۸ م، القديم و الجديد فی الشعر العربی الحديث، بیروت، دار النهضة العربية.
- بارودی، محمود سامی، ۱۹۹۸ م، دیوان البارودی، القاهرة، دار المعارف، ط ۲.
- تیمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۴۱۰ ق، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح سید مهدی رجایی، قم، دار الکتاب الاسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۹، فرهنگ دهخدا، تهران، سیروس.
- ضیف، شوقی، دون تاریخ، الادب العربی المعاصر، القاهرة، دار المعارف، ط ۲.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- العدوانی، معجب، ۲۰۱۰ م، الكتابة و المحو، بیروت، دار الانتشار.
- کردعلی، محمد، ۱۹۹۳ م، المعاصرون، بیروت، دار صادر، ط ۲.
- گگی یارد، فرانسوا، ۱۹۵۶ م، الادب المقارن، ترجمه محمد غلاب، القاهرة، لجنة البیان العربی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مریدن، عزیزه، ۱۹۸۸ م، حركات شعر العربی فی العصر الحديث، دمشق، جامعة دمشق.
- معین، محمد، ۱۳۶۹، فرهنگ نادری، تهران، امیر کبیر.
- الموسی، خلیل، ۲۰۰۰ م، «قراءات فی الشعر العربی الحديث و المعاصر»، دمشق، موقع اتحاد کتاب العرب.
- الواسطی اللیثی، کافی‌الدین علی بن محمد، ۱۳۷۶، عیون المواعظ و الحکم، تحقیق حسین الحسنی البیرجندی، بیروت، دار الحديث.



ب) مقاله‌ها

- ابویسانی، حسین و انق، نعمان، ۲۰۰۹ م، «ملامح التجديد في شعر البارودي»، مجلة اللغة العربية و آدابها، شماره ۹، ص ۳۲-۱۵، تهران، دانشگاه تهران.
- سیدی، سید حسین، ۱۳۹۰، «درآمدی توصیفی - تحلیلی بر چیستی و ماهیت ادبیات تطبیقی»، ادبیات کاوش‌نامه تطبیقی، شماره ۳، ص ۲۲-۱، کرمانشاه، دانشگاه رازی.



Archive of SID